

شیخیه کریم‌خانی و تحولات اقتصادی و اجتماعی کرمان در دوره قاجار

دکتر محمد خداوردی تاج آبادی گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران

چکیده

شیخ احمد احسائی (د. ۱۲۴۱ ق/ ۱۸۲۵ م) در دوره قاجار با استفاده از منابع معرفتی چهار جنبش فکری: صوفیه، فلسفه، اخباری و اصولی درصدد برآمد نحله جدیدی تأسیس کند و بین اصول عقاید مکتب شیعه وحدت و همدلی ایجاد کند؛ اما این نحله که به شیخیه موسوم گردید بر دامنه اختلافات درونی شیعه افزود و حتی خود احسائی از سوی برخی از علمای شیعه تکفیر شد. پس از مرگ سید کاظم رشتی، یکی از شاگردان او، حاج محمد کریم خان، پسر حکمران کرمان، ابراهیم خان ظهیرالدوله (حک: ۱۲۱۸ - ۱۲۴۰ ق/ ۱۸۰۳ - ۱۸۲۴ م) با توضیح و تبیین یکی از اصول اعتقادی مکتب شیخیه یعنی رکن رابع موفق شد شاخه شیخیه کرمان را پدید آورد. این فرقه نوظهور به زودی پیروانی در کرمان و برخی توابع آن به دست آورد که تا پایان عمر قاجاریه در تحولات محلی مؤثر واقع شدند. ابراهیم خان ظهیرالدوله به سبب علاقه شدیدی که به افکار و اندیشه‌های شیخ احمد احسائی داشت از مریدان وی گردید، سپس فرزندان و دیگر اعضای خاندان وی به این طریقه تمایل یافتند. ابراهیم خان ظهیرالدوله نخستین حاکمی بود که پس از قتل و غارت‌های آغا محمدخان منشأ خدمات عمرانی و رفاهی در کرمان و دیگر شهرهای این ایالت گردید. این خاندان با تصاحب اراضی کشاورزی و حفر کانال‌های آبرسانی و قنات تحول عمده‌ای را در عرصه مالکیت اراضی کشاورزی و تولید داشتند. مضافاً آنکه برخی از افراد این خاندان شیخی مسلک به حکمرانی این ایالت منصوب شدند. تجار شیخی نیز با تأسیس برخی از مراکز تجاری و قیصریه نیز به نوبه خود سهم قابل توجهی در

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۲

E-mail: khodaverdi1358@gmail.com

رونق بازار و حیات اقتصادی این ایالت داشتند. برخی از طبیبان ماهر و چیره دست کرمانی از خاندان شیخی مسلک ابراهیمی بودند. نیز برخی دیگر از افراد این خاندان برای اولین در کرمان مرکز بهداشتی و درمانی تأسیس نمودند که خود از شاخصه‌های مهم‌رشد عمومی سلامت افراد جامعه به شمار می‌رود. از دیگر خدمات رفاهی که به وسیله این خاندان در این شهر انجام گرفت می‌توان به اولین عکاس‌خانه و احداث خطوط تلگراف و راه‌های ارتباطی اشاره نمود.

واژگان کلیدی: کرمان، شیخیه، شیخ احمد احسائی، حاج محمد کریم خان، تحولات اقتصادی، تحولات اجتماعی ابراهیم خان ظهیرالدوله، بیمارستان نوریه، عکاس‌خانه، تلگراف خانه.

مقدمه

زمینه‌های فکری و عقیدتی شکل‌گیری مکتب شیخیه در ایران

عصر صفویه به رغم رسمیت بخشیدن به تشیع اثنی‌عشری و فراهم آوردن رشد آن، با اختلاف نظر و منازعات فکری فقهای شیعه نیز همراه بود که بر جریان کلام و فقه این فرقه تأثیرات بسزایی نهاد. مهم‌ترین منازعه بر سر اصول روش‌شناختی فقهی و نقش استدلال در استنباط احکام شرع بود که در قالب دو مکتب فقه‌پایخاری و اصولی ظاهر گردید (نصر، ۱۳۸۷، ج ۶: ۱۱۲-۱۱۳؛ الگار، ۱۳۸۴: ۲۸۲). ملا محمد استرآبادی (د. ۱۰۳۶ یا ۱۰۳۳ ق/ ۱۶۲۷ یا ۱۶۲۴ م) با تکیه بر قرآن و احادیث و مخالفت با عقل و استدلال در مسائل دینی، مکتب اخباری را پایه‌گذاری کرد (نصر، همان).

در مقابل تفکر اخباری‌گری، اندیشه‌های محمدباقر وحید بهبهانی (د. ۱۲۰۶ ق/ ۱۹۷۲ م) قرار داشت. وی به عنوان چهره شاخص «اصولی‌ها» با اهتمام و فعالیت‌های علمی خویش موفق شده بود که تکاپوی فکری مکتب اخباری را به مقدار چشمگیری کاهش دهد؛ اما نزاع اخباری و اصولی دوباره در قرن سیزدهم هجری زنده گردید. این بار رقابت موجود با پیروزی اندیشه علماء اصولی بر اخباری پایان یافت (الگار، ۱۳۸۴: ۲۸۸ - ۲۸۶؛ اکبری، ۱۳۸۲: ۱۲).

تفوق آرای اصولی‌ها به هیچ وجه به معنای رفع اختلاف در میان اثنی‌عشریه نبود. مقارن این موفقیت بود که شاخه‌ای جدید به نام «شیخیه» در تشیع دوازده امامی سربرآورد. در واقع این فرقه نتیجه تشنّت آراء و عقاید فقهای شیعه (اخباری، اصولی) در زمینه مبانی کشف و استنباط احکام فقهی در عصر غیبت امام دوازدهم (عج) براساس چهار منبع قرآن، سنت، اجماع و عقل بود. بنیان‌گذار این نحله فکری و عقیدتی شیخ احمد احسائی^(۱) (د. ۱۲۴۱

ق/۱۸۲۵م) نام داشت که پیروانش او را «شیخ کامل» می دانستند که به همین سبب پیروانش به « شیخیه » موسوم شدند. تحولات عقیدتی و نیز اختلاف داخلی جامعه شیعی در دوران صفویه، افشاریه و زندیه که در قالب چهار جنبش فکری: صوفیه، فلسفه، اخباری‌گری، اصولی‌گری، ظهور کرده بود در عصر قاجاریه با یکدیگر متحد گردید و شیخ احمد و شاگردان وی از این چهار نوع تفکر و اندیشه تأثیر پذیرفته است.

ظهور مکتب شیخیه

علی‌رغم آن که شیخ احمد از محضر برخی صوفیان مشهور در احساء، مانند قطب الدین سید محمد شیرازی ذهبی بهره برد؛ اما بعدها از مخالفین سرسخت مسلک تصوف گردید (معصوم‌علیشاه دکنی، ۱۳۴۴ق، ج ۳: ۲۱۷) و در کتب و رسائلش به همه فرق و مذاهب تصوف تاخت و به بطلان آراء و عقاید آنان حکم داد؛ به عنوان نمونه محی‌الدین عربی (د. ۶۳۸ ق/۱۲۴۱م) را «میتالدین» و ملا محسن فیض کاشانی (د. ۱۰۹۰ ق/۱۶۷۹م) را «مسیئی» نامید (احسائی، ۱۳۵۳، ۱۱۵؛ کرمانی، بی‌تا، ج ۲: ۳۱؛ همان، ۱۳۸۰ق، ۴۳؛ معصوم‌علی شاه دکنی، همانجا). اما این امر مانع از آن نبود که شیخ از عقاید صوفیه برای تدوین مکتب خود مدد نگیرد. سپس دیگر رهبران شیخیه، با الگو گرفتن از سلسله مراتب باطنی تصوف (قطب، اوتاد، ابدال، نجباء و نقباء) سلسله مراتب دعوت خویش را بر دو وجه نُقباء و نُجَبَاء (نُقباء صاحبان حکم و سلطنت‌اند و به اذن و حول و قوه خدا صاحبان تصرف در ملکند که هیچ چیز از فرمان آنها بیرون نیست و ایشان پیش‌کاران ائمه‌اند و احکام سلطنت ائمه را در دنیا و آخرت ایشان به انجام می‌رسانند. گروه دیگر نُجَبَاء‌اند که آنها صاحبان حکم و فرمانروایی نیستند؛ اما صاحبان علوم ائمه‌اند و علم و دین را ایشان به مردم تعلیم می دهند. این دو گروه پیشوایان خلق در دنیا و آخرتند. آنان در دنیا حکام و معلم‌اند و در آخرت پیش‌کاران و وزراء می‌باشند. مؤمنان به واسطه آنان نجات می‌یابند و به بهشت می‌روند و کافران هلاک می‌گردند. و به جهنم برده می‌شوند (کرمانی، ۱۳۸۷ق، ۳۰). قرار دادند (کربن، ۱۳۴۶، ۹۵). افزون بر آن که تصوف و عرفان بخشی از مبانی عقیدتی شیخی‌گری نیز شد (فشاهی، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، ۸۱). از سویی دیگر، به دلالت برخی پژوهشگران (ویلسن: د. ۱۹۱۶م / ۱۳۳۴ق، براون: د. ۱۹۲۶م / ۱۳۴۵ق، اقبال: د. ۱۰۳۸ق/۱۶۲۹م، گیب: د. ۱۹۷۱م/۱۳۹۱ق) اندیشه

صدرايي در سه قرن و نيم گذشته بيشترين نفوذ را در عرصه عقلا نيت ايران داشت، مکتب شيخيه نيز از مباحث فلسفي، افکار و آراء ملاصدرا متأثر گرديد (حائري، ۱۳۸۱، ۸۸). افزون بر آن که شيخيه ميراثدار دو تفکر اصولي و اخباري هم بود. شيخ احمد احسائي در پرتو آشنائي با دو مکتب اخباري و اصولي توانست دامنه آراي خود را از عقايد به اصول فقه، فقه و کلام اختصاصي خود، گسترش دهد، و آن را به عنوان نحله‌اي مستقل در جامعه شيخي عرضه کند (ابراهيمي، بي تا، ج ۲: ۲۴۶-۲۴۸). اين نحله که متضمن حکمت الهيه شيخيه و بي ترديد مبتني بر اقوال ائمه شيعه اثنی عشری است (کربن، ۱۳۴۶، ۸۹) از اندیشه اخبارگري برکنار نمي باشد.

هر چند احسائي در برخي آثارخويش، اصول اعتقادي شيعه را شامل: توحيد، نبوت، عدل؛ امامت و معاد مي داند (احسائي، ۱۳۵۳: ۲۱، ۵۴، ۶۳، ۷۳، ۹۰)؛ اما معتقد است که اصل نبوت در برگيرنده اصل عدل است (همان: ۶۵) نيز اصل «رکن رابع» را در بحث امامت به طور غيرمستقيم بيان مي کند (همان: ۹۰). جانشين او، سيدکاظم رشتي (د. ۱۲۵۹ ق/ ۱۸۴۳ م) در طرح و معرفي اصول عقايد شيعه تحت تأثير ديدگاهها و نظريات احسائي بود. از اين رو بين اين دو رهبر شيخيه درباره اصول مذهب شيعه اختلافي نيست (رشتي، بي تا: ۱۵۴، ۱۳۶، ۹۹، ۳۵، ۳). اما پس از سيد کاظم رشتي، مؤسس شيخيه کرمان، حاج محمد کريم خان (د. ۱۲۸۸ ق/ ۱۸۷۱ م)، پسر حکمران کرمان ابراهيم خان ظهيرالدوله، براي اولين بار اصول اعتقادي فرقه شيخيه را متفاوت از دو رهبر نخستين بيان کرد. بنابر ديدگاه او و ديگر مشايخ اين فرقه در کرمان، دو اصل توحيد و نبوت در برگيرنده دو اصل عدل و معاد نيز هست. بدین ترتيب اصول اعتقادي شيخيه عبارتند از: توحيد، نبوت؛ امامت و رکن رابع (کرمانی، بی تا، ج ۲: ۱۹ - ۲۴؛ همان، ۱۳۸۰ ق: ۱۶۸-۱۷۵؛ ابراهيمي، ۱۳۵۰ ش: ۳۵).

مهم‌ترين اختلافات عقیدتی میان شيخيه با شيعه دوازده امامي

مهم‌ترين اختلافاتي که ميان شيخيه و معتقدان به اصول مذهب شيعه دوازده گانه وجود دارد بدین قرار است:

۱. انکار معاد جسماني و بدن عنصری و اعتقاد به معاد روحاني و جسد هُورِ قليائي؛ (بنابر نظر يکي از رهبران شيخيه کرمان، عبدالرضا خان ابراهيمي، هُورِ قليا کلمه‌اي سرياني به معنای

عالم مثال، عالم ملکوت که برتر از طبیعت و خارج از حرکت و زمان است، آن عبارت است از برزخ مابین عالم اجسام و نفوس (ابراهیمی: ۹۷). براین اساس شیخیه همچنین معراج پیامبر را روحانی دانسته و بُعد جسمانی پیامبر را در این سفر نادیده می‌گیرند (تنکابنی، ۱۳۹۶ ق: ۴۷-۴۲). بدین ترتیب احساسی با اخذ و جذب نظریه هور قلیا از آموزه‌های فلسفی و عرفانی سهروردی (د. ۵۸۷ ق/۱۱۹۲ م)، میرداماد (د. ۱۰۴۱ ق/۱۶۳۲ م)، خصوصاً ملاصدرا (د. ۱۰۵۰ ق/م) که قائل به معاد جسمانی بود و دیدگاه کلامی خاصی در زمینه معاد داشت (همان: ۴۴؛ نصر، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۷۱ و ۴۵۶؛ همان، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۹۴).

۲. از اعتقادات دیگر شیخیه، دیدگاه خاص این مکتب به مسأله امامت و جایگاه و منزلت امام است. احساسی براین باور بود که ائمه معصومین (ع)، علل چهارگانه (فاعلی، مادی، صوری، غایی) آفرینش‌اند و اراده الهی از طریق آنان محقق می‌گردد (تنکابنی، ۱۳۹۶ ق: ۴۸). ۳. اعتقاد به رکن رابع و فروعات آن (باب، وحدت ناطق، نُقباء و نُجباء) که از مهم‌ترین اصول اعتقادی شیخیه است سرچشمه یکی از انشعابات درون گروهی شیخیه گردید و منازعات این فرقه را با متشرعه در پی داشت. حاج محمد کریم‌خان، مؤسس فرقه شیخیه کرمان، درباره این اصل بر این باور است که در هر دوره باید راویان و ناقلانی امین در میان مردم در حکم واسطه‌هایی وجود داشته باشند تا اخبار و اقوال او را به شیعیان برسانند و امر هدایت و روشن‌گری را در جامعه عهده دار شوند. وی این مقام را رکن رابع می‌نامد. بنابر نظر دیگر مشایخ شیخیه تمام دوستان آل محمد معرفت و دوستی‌شان از رکن رابع است، به ویژه علمایی که از آنان دستورات دینی گرفته می‌شود، محبت و معرفتشان از دیگران واجب‌تر است. آنچنان که همه علمای شیخیه معرفت و محبتشان از رکن رابع است. شخص ناطق واحد همان باب اعظم و نایب خاص امام است و نقش و جایگاه امام دوازدهم را در دوران غیبتش در رابطه با زعامت و رهبری جامعه شیعی بیان می‌کند (کرمانی محمد، ۱۳۶۸ ق: ۱۹۰، ۴؛ ابراهیمی، بی تا، ج ۱: ۱۰۲).

از سوی دیگر حاج محمد کریم خان (د. ۱۲۸۸ ق / ۱۸۷۱ م) با استناد به مدارک و دلایل و نیز ترویج عقیده رکن رابع، مدعی جانشین رشتی گشت (ابراهیمی، بی تا، ج ۱: ۶۰، ۶۱). وی با داشتن پشتوانه مالی و نفوذ و اقتدار محلی در کرمان موفق گردید که بر اساس دیدگاه خود به پایه‌ریزی مبانی فکری و عقیدتی برای پیروان خود اقدام نماید و با دیگر مدعیان به منازعه و رقابت بپردازد. لذا در کرمان مکتب شیخیه به دست او انتظام یافت. از آنجا که مهم‌ترین کار حاج محمدکریم خان در جنبه اعتقادی تشریح

و تأکید وی بر رکن رابع بود، پیروان وی به «رُکنیه» و حاج محمدکریم خانی معروف گردیدند) همان، ج ۱: ۷۴).

ایالت کرمان در طی دوره‌های تاریخی خود با فراز و نشیب‌های گوناگونی همراه و میزبان برخی از فرق و مذاهب بوده است. معمولاً در هر دوره حکامی در جهت رفاه و ارائه خدمات عمرانی و رفاهی ایالت اقداماتی را برداشتند. سابقه فعالیت‌های اجتماعی و خدماتی در کرمان به سده‌های نخستین اسلام باز می‌گردد. سابقه نخستین مدرسه که در برخی در منابع از آن یاد شده به ترکان در دوره سلجوقیان کرمان بازمی‌گردد. در کرمان عصر صفوی گنجعلی‌خان زیگ، حکمران کرمان، به منظور رونق و توسعه شهر کرمان به دستور شاه عباس به احداث پل، جاده، میدان، حمام، مدرسه و کاروانسروای در این شهر اقدام نمود. مجموعه گنجعلی خانی پیوند دهنده سه رکن مذهب، سیاست و اقتصاد بود. در دوره نادری خاندان قلی بیگ، حکمران ایالت از طایفه افشاری دو مدرسه در کرمان به نام‌های حسینه و کاظمیه بنا کرد. این حکمران مدرسه دیگری به نام خاندان قلی بیگ در کنار مسجد جامع تأسیس و موقوفاتی بر آن قرار داد که تا به امروزه پابرجاست. ظهور حکومت قاجاریه برای کرمان فاجعه آمیز بود. لشکرکشی آغا محمد خان برای برانداختن لطفعلی خان آخرین حکمران سلسله زندیه چیزی جز ویرانی برای آن شهر به بار نیاورد. اغلب کشتزارها و مراتع آن در سال ۱۲۰۹ ق/ ۱۷۹۸ م در معرض تاخت و تاز سربازان قاجاریه درآمد. پس از مدتی برخی از حکام قاجار که تمایلات شیخی داشتند به منظور جبران ویرانی‌ها و برقراری نظم و امنیت منشأ خدمات شهری و عمرانی برای پیروان خویش و دیگر ساکنان این ایالت شدند. مقاله درصدد پاسخگویی به دو سؤال اصلی زیر است:

۱ - ظهور فرقه شیخیه چه تأثیراتی را بر اوضاع اقتصادی ایالت کرمان در عهد قاجار به دنبال داشت؟

۲ - نقش فرقه شیخیه بر تحولات اجتماعی و خدماتی کرمان عصر قاجاریه چه بوده است؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، می‌توان فرضیه‌های زیر را طرح کرد:

۱ - ظاهراً پس از قدرت یافتن فرقه نوظهور شیخیه در ایالت کرمان تحولات عمده‌ای در دو بخش اقتصاد کشاورزی و اقتصاد بازرگانی ایجاد شد. در بخش اقتصاد کشاورزی تغییرات عمده‌ای در نوع مالکیت اراضی و وقفی این ایالت ایجاد شد. سپس این فرقه در معاملات و داد و ستدهای تجاری کرمان نقش مهمی داشتند.

۲ - به نظر می‌رسد که فرقه شیخیه با تربیت طبیبان حاذق و تأسیس اولین مرکز درمانی به سبک جدید نقش مهمی بر بهبود سلامت و درمان در کرمان عصر قاجار داشتند. برخی از بزرگان شیخیه نیز در ایجاد راه‌ها و شبکه اطلاع رسانی در کرمان مؤثر بوده‌اند.

پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش‌های انجام شده در مورد شیخیه به طور کلی به نظام فکری و اعتقادی و فقهی آنان اختصاص یافته و ماهیت ردیه‌نویسی دارد و به تحولات و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی این فرقه در نقاطی از ایران که در آنجا طرفدارانی یافته پرداخته نشده و به نحو شایسته‌ای انجام نگرفته‌است. نخستین پژوهش قابل اعتنا درباره شیخیه، کتاب مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی به قلم هانری کربن (د. ۱۹۷۸م) است که گرچه بر اصول عقاید شیخیه متمرکز است، اشاراتی گذرا به اختلافات شیخیه با مشرعه نیز دارد. کربن در این اثر با اتکا بر منابع شیخیه درباره «رکن رابع» و فروعات آن (نُقباء و نُجباء) و ارتباط شیخیه و بابی‌گری نظری خلاف نظر دیگر محققان دارد که از همین روی قابل اعتناست. وی معتقد است که «هرگز شیخیه نگفته‌اند و ادعا نکرده‌اند که یکی از مشایخ ایشان نقیب یا باب خاص امام بوده‌اند». او همچنین درباره عوامل پیدایش و بسط شیخیه در کرمان اشاراتی مجمل و موجز دارد و پس از شرح حال شیخ احمد احسائی، رهبران شیخیه در کرمان و برخی از آثار آنان را معرفی می‌کند. بخش اخیر فاقد تحلیل است و به تأثیرات اجتماعی و اقتصادی شیخیه کرمان اشاره‌ای نکرده‌است.

جدی‌ترین پژوهش در باره شیخیه رساله دکتری دنیس مک ایی اون (دانشگاه کمبریج ۱۹۷۹ م) با عنوان «مسیح شیراز: مطالعاتی در بابی‌گری اولیه و میانه» است، این رساله در سال ۲۰۰۹ در لیدن به چاپ رسیده است. هر چند موضوع اصلی این پژوهش مربوط به بابیه است؛ اما نویسنده بنا به ضرورت تاریخی به نزاع‌های شیخی و بابی اشاره کرده و به شرح اقدامات و دفاعیات حاج محمد کریم خان از خود در برابر ادعای باب پرداخته است که خود می‌تواند موضوع تحقیق مستقلی باشد. مراجعه به دو مدخل «بالاسری» در دانشنامه ایرانیکا و «شیخیه» در چاپ دوم دایرة المعارف اسلام که به خامه وی است می‌تواند چکیده‌ای از پژوهش وی درباره شیخیه را در اختیار پژوهشگر قرار دهد. این مقالات به سبب تخصص نویسنده و نیز منابع حائز اهمیت است؛ اما مؤلف به طور عام به بررسی شیخیه پرداخته و نقش جایگاه شیخیه کرمان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در تحقیق حاضر این منابع کمتر مورد مراجعه محقق هستند.

دیگر مقاله‌ای است تحت عنوان «نقش وقف در شکل‌گیری جامعه شیخی کرمان در دوره قاجار» از دنس هرمان و امید رضایی که در سال ۲۰۰۷ در مجله مطالعات ایرانی منتشر شده است. این پژوهش به بررسی تغییر وقف نامه مدرسه ابراهیمیه و تدوین وقف نامه جدید به دست حاج محمد کریم خان اختصاص دارد که خود موضوع پژوهش مستقلی است و به پژوهش حاضر ارتباطی ندارد.

افزون بر مطالعات غربیان، برخی از محققان ایرانی نیز درباره تاریخ پیدایش شیخیه و مناسبات آن با دیگر فرق پژوهش‌هایی به انجام رسانده‌اند که نخستین گام‌ها در این زمینه به شمار می‌آید. آنان در آثار خود به صورت فشرده به تاریخ شیخیه کرمان پرداخته‌اند. از آن میان سلسله مقالات عبدالحسین نوایی (د. ۱۳۸۳ ش) و سید محمد علی جمالزاده (د. ۱۳۷۶ ش) است که به ترتیب تحت عناوین «احوال بزرگان» در مجله یادگار در ماه‌های «آذر-دی» و «بهمن - اسفند» سال ۱۳۲۷ و «شیوخ سلسله شیخیه» در مجله یغما در ماه‌های «آذر» و «دی» و «بهمن» سال ۱۳۴۰ چاپ و منتشر شده است. در این مقالات به شرح حال مختصری از حاج محمد کریم خان (د. ۱۲۸۸ ق/ ۱۸۷۱ م)، حاج محمد خان (د. ۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م) و حاج زین‌العابدین خان (د. ۱۳۶۰ ق/ ۱۹۴۱ م)، عقاید و آراء کلامی شیخیه، مناسبات شیخیه با متشرعه و بایه پرداخته شده که اغلب نقل قول مستقیم و رونویسی از منابع شیخیه بوده و فاقد هر گونه تحلیل و نوآوری است.

در همین مقوله کتاب واپسین جنبش قرون وسطایی در دوران فتودال، نوشته محمد رضا فشاهی (۱۳۵۵ ش) قرار دارد که اغلب فصول آن به مخالفان فرقه شیخیه، بایه، و اعتقادات و تاریخ آنان اختصاص دارد. مؤلف ضمن تبیین اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران در سده سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی، زمینه‌های ظهور مکتب شیخی را در ایران تشریح کرده است. در فصلی از این کتاب که به شرح احوال دو رهبر شیخیه - شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی - اختصاص دارد، الهیات و امام‌شناسی را از دیدگاه آنان بررسی کرده است. در این اثر از شیخیه کریم خانی و سیر تحول این فرقه بحثی به میان نیامده است.

نورالدین چهاردهی (د. ۱۳۷۶ ش) در کتاب از احساء تا کرمان در باره عقاید و آداب و مراسم مذهبی شیخیه اعتقادات فرقه شیخیه را با استناد به متون فقهی آنان تشریح کرده است. چنین می‌نماید که مؤلف بر آن است حقانیت این فرقه را با ادله و مستندات فقهی اثبات کند. وی همچنین با ذکر موارد اختلاف عقاید شیخیه با متشرعه، می‌کوشد عدم ارتباط این فرقه را با دو فرقه بایه و بهائیه روشن نماید. چهاردهی بنا به ضرورت به شرح احوال رهبران شیخیه پرداخته است که در آن به پراکندگی

پیروان این فرقه در شهرها و نواحی مختلف اشاره می‌کند. مؤلف به صورت پراکنده نقش حاج محمد کریم خان را در سازماندهی دستگاه فکری و اعتقادی شیخیه و گسترش این فرقه بیان کرده است. در میان آثار فارسی کتاب شیخی گری، بابی گری از نظر فلسفه، تاریخ اجتماع نوشته مرتضی مدرسی، از بهترین آثار نوشته شده درباره تاریخ شیخیه کریم خانی است که در آن برخی از علل انتشار و گسترش این مکتب در کرمان را می‌توان یافت. این کتاب تنها تألیفی است که نقش نهاد وقف در تثبیت و گسترش شیخیه کریم خانی و نیز بسیاری از حوادث و درگیری‌های میان متشرعه و شیخیه را معلول نزاع در باره موقوفات می‌داند. به هر حال توجه به این نکته ضروری است که بسیاری از مطالب کتاب فاقد سند و مدرک بوده و مؤلف در داوری‌های خود از شیخیه جانبداری می‌کند. این ویژگی اعتبار علمی اثر او را به مقدار چشمگیری کاهش می‌دهد.

در میان تحقیقات جدید در مورد کرمان، آثار زنده یاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی از این حیث جایگاهی ویژه دارد که در برخی از آنها به صورت پراکنده و مختصر اشاراتی به علت شکل‌گیری و گسترش و تثبیت این فرقه و نزاع‌های آن با مخالفان را می‌توان یافت. به طور کلی آثار وی در زمینه شیخیه را به دو فقه می‌توان تقسیم کرد: ۱. حواشی و تعلیقات او بر جغرافیای وزیری و فرماندهان کرمان، احمدی کرمانی؛ ۲. تألیفات او.

۱. گزارش‌های باستانی پاریزی در مقدمه و پاورقی دو اثر یاد شده درباره شجره‌نامه خاندان ابراهیمی، رابطه دستگاه سلطنتی قاجار با این خاندان، گسترش شیخیه، نزاع شیخی - بالاسری، دعوای جانشینی بین دو پسر حاج محمد کریم خان (حاج محمد رحیم خان و حاج محمد خان) و مناسبات شیخیه با بایبه و نقش شیخیه در تحولات سیاسی و اجتماعی کرمان گاه در پاره‌ای موارد یگانه به نظر می‌رسد. از همین روی حواشی و تعلیقات او بر دو اثر یاد شده برای بررسی تأثیر شیخیه بر روند حوادث کرمان در دوره قاجار حائز اهمیت است.

۲. از میان آثار زنده‌یاد باستانی پاریزی پیغمبر دزدان، درخت جواهر، فرمانفرمای عالم، پیر سبزپوشان، حماسه کویر و جامع المقدمات، حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره اختلافات شیخیه کرمان با متشرعه و بایبه است که خود پژوهش مستقلی را می‌طلبد از این رودر این جستار به موضوع مورد مطالعه کمتر پرداخته شده است.

سید محمد باقر نجفی (د. ۱۳۸۱ش) فصل اول کتابه‌ایان را با عنوان «شیخیه زمینه بایبه»، به دور از تعصب و جانبداری به نقد و بررسی شرح حال شیخ احمد احسائی اختصاص داده و سپس برخی از

دیدگاه‌های کلامی و اعتقادی شیخیه را بر اساس آثار شیخ احمد احسائی و دیگر مشایخ این فرقه آورده است. این فصل با مرگ سید کاظم رشتی (د. ۱۲۵۹/ق ۱۸۴۳) و دعوای جانشینی میان شاگردان او (حاج محمد کریم خان و سید علی محمد باب) و بروز انشعابات درون گروهی شیخیه پایان می‌یابد. با وجود آن که فصل یاد شده کتاب از پژوهش‌های ارزشمند درباره شیخیه در زبان فارسی به شمار می‌رود؛ اما بر تأثیرات اقتصادی و اجتماعی شیخیه کرمان بر این ایالت اشاره‌ای نمی‌کند.

از محمد علی اکبری نیز دو مقاله با عناوین «شیخیه از اعتراض تا تاسیس فرقه مذهبی» و «نقش اندیشه‌های شیخیه در ظهور جنبش بایه» در دست است که جدیدترین پژوهش‌های متأخر درباره شیخیه به زبان فارسی به شمار می‌روند. این مقالات اگر چه به جهت روش و تحلیل‌های قابل ملاحظه در خور اعتنا و توجه هستند؛ اما مؤلف ضمن تشریح زمینه‌های شکل‌گیری فرقه شیخیه و مراحل تکوینی و انشعابات آن و نیز دیدگاه‌ها و آراء کلامی و اعتقادی فرقه شیخیه تنها با اشاره‌ای موجز به اقدامات حاج محمد کریم خان در جهت تأسیس و ترویج فرقه شیخیه در کرمان، بسنده کرده است.

نیز باید به کتاب الشیخیه، نشأت‌ها و تطورها و مصادر دراست‌ها از محمد حسن آل الطالقانی نیز اشاره کرد. مؤلف صفحاتی کم (۲۰۱-۲۰۳) را به ذکر تاریخ شیخیه کریم خانیدر کرمان در دوران قاجار و پهلوی اختصاص یافته است. این کتاب تحلیلی نبوده و مؤلف تنها به نقل روایت از منابع شیخی بسنده کرده است، از این رو چندان در خور اعتنا نیست.

پژوهش جدیدی با عنوان «نقد و بررسی آرای کلامی شیخیه کرمان» نوشته علی اکبر باقری، در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در سال ۱۳۹۲ چاپ و منتشر شده است. نویسنده در این اثر از منابع اصیل و دست اول شیخیه کرمان بهره برده و آن را در نه فصل که شامل کلیات، شکل‌گیری شیخیه، معرفی شیخیه کرمان و مهم‌ترین آرای آنان، دیدگاه شیخیه کرمان درباره نبوت، دیدگاه شیخیه کرمان درباره معاد، دیدگاه شیخیه کرمان درباره مسئله امامت و رکن رابع، نتایج فقهی برخی از آرای کلامی شیخیه کرمان، روش شناسی شیخیه کرمان، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تدوین و گردآوری کرده است. محقق در این اثر الهیات و اعتقادات کلامی شیخیه کرمان را با عقاید شیعه دوازده امامی مقایسه و نقد و بررسی کرده است. فصل سوم این پژوهش که به معرفی شیخیه کرمان و مهم‌ترین آرای آنان اختصاص دارد (صص ۱۵۳ - ۱۷۳)، مؤلف شرح حال مختصری از رهبران شیخیه کرمان در دوره قاجار و پهلوی را همراه با فهرستی از آثار آنان آورده که بسیار ناقص و مختصر و رونویسی از برخی از منابع شیخیه است. نویسنده در این فصل به تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی شیخیه کرمان اشاره‌ای نکرده و سرانجام سخن خود را با برخورد آقای فلسفی با یکی از رهبران شیخیه، ابوالقاسم خان

ابراهیمی (د. ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م) به پایان برده است. همانطور که بیان گردیده است در هیچ یک از پژوهش‌های ارائه شده نقش شیخیه کرمان بر تحولات اقتصادی و اجتماعی این ناحیه مورد بررسی قرار نگرفته است.

۱- تحولات اقتصادی شیخیه

الف- شیخیه و تحول در مالکیت‌اراضی کشاورزی

ابراهیم‌خان ظهیرالدوله حاکم کرمان (حک: ۱۲۱۸-۱۲۴۰ ق / ۱۸۰۳-۱۸۲۴ م)، علاقه فراوانی به فرهنگ و اندیشه‌های دینی مذهب تشیع داشت. در واقع ابراهیم خان ظهیرالدوله با آشنا کردن خانواده خود با افکار و اعتقادات احساسی، راه را برای اشاعه مسلک شیخی‌گری در کرمان هموار کرد. از این رو می‌توان گفت که ارادت و دوستی ابراهیم خان به احساسی در آشنایی پسرش، حاج محمد کریم خان، با افکار و آراء او تأثیر داشته است. (رضوی، ۱۳۸۷ ق: ۵۷). ابراهیم خان در دوره حکومت خود (حک: ۱۲۱۸-۱۲۴۰ ق / ۱۸۰۳-۱۸۲۴ م) در ترمیم خرابی‌ها کوشید و به دستور وی مزارع فراوانی در حومه شهر و بلوکات دیگر کرمان آباد شد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۴۴-۱۴۶). بعدها بخشی از این مزارع و املاک به شکل موقوفه در خدمت اهداف اجتماعی شیخیه درآمد (رک همین مقاله: بخش تحولات اجتماعی شیخیه) و بخشی دیگر به فرزندان و نوادگان او که به خاندان ابراهیمی معروف شدند منتقل گشت. این خاندان که شیخی مسلک بودند، به تدریج بزرگ‌ترین زمین داران در ایالت کرمان به شمار آمدند. از آنجا که زمین در دوره قاجار مهم‌ترین منبع تولید کننده محصولات صادراتی برای کسب درآمد بود (فوران، ۱۳۸۶: ۱۸۹) هرچند گزارشی که نشانگر فعالیت‌های کشاورزی شیخیه باشد در دست نیست؛ اما از آنجا که خاندان ابراهیمی با در اختیار داشتن اراضی وسیع کشاورزی از پشتوانه‌ای اساسی برای حفظ و تداوم اعتبار و نفوذ سیاسی خود در کرمان برخوردار بودند تا بدان حد که از ارکان اقتصاد محلی محسوب می شدند. به عنوان نمونه پسر و نوه ابراهیم خان ظهیرالدوله یعنی خسرو خان و نورالله خان، از ملاکان و زمین داران بزرگ کرمان محسوب می شدند (وزیری، ۱۴۲، ۱۳۹، ۱۳۸۵). آنچه فرایند گسترش املاک طایفه ابراهیمی و دیگر سران شیخیه را تسهیل و تسریع می کرد سیاست مالیاتی حکومت مرکزی بود. حکام قاجاری کرمان با مالیات‌های سنگین بر توده عظیم روستائیان آنان را تحت فشار قرار می‌داد. از آنجا که روستائیان قادر به پرداخت مالیات مقرر نبودند املاکشان را با قیمت پایینی در معرض فروش می‌گذاشتند و برخی از افراد طایفه ابراهیمی شیخی مسلک، نیز خریداران بودند. مالکان روستای بیاز (روستایی در بلوک رفسنجان)، در سال ۱۲۶۰ ق / ۱۸۴۴ م به سبب مالیات‌های سنگین

تحمیلی، املاکشان را با قیمت پایینی به خسروخان فروختند (همان، ۲۸۰، ۲۸۱). خسروخان عامل مالیاتی راور و برخی از شهرهای دیگر ایالت کرمان بود (همان، ۳۰۸). این در حالی بود که املاک گسترده دختر فتحعلی خان، رئیس طایفه مهنی، در اسفندقه و جیرفت به مالکیت محمد ابراهیم خان (نواده ابراهیم خان ظهیرالدوله) درآمد که به آبادانی آنها همت گماشت و بدین ترتیب از بزرگ مالکان ایالت گردید (همان، ۱۴۰). محمدتقی خان، پسر ابراهیم خان ظهیرالدوله نیز با داشتن کمال‌آباد، از روستاهای رفسنجان، در آبادانی آن ناحیه کوشید (همان، ۱۳۹، ۲۸۳). بدین ترتیب طایفه ابراهیمی با مالکیت موروثی و اکتسابی اراضی وسیع، نقش بارزی را در تحول زمین‌داری و گسترش املاک خصوصی در ایالت کرمان ایفا می‌کردند. از آنجا که این بزرگ مالکان به سبب سکونت در شهرها از املاک خود دور بودند، از مباشر برای امور املاک و روستاهای خود استفاده می‌کردند. به عنوان نمونه حاجی موسی‌خان (پسر ابراهیم خان ظهیرالدوله) که در کرمان سکونت داشت، پسر خود را به عنوان مباشر به بلوک زرنند فرستاد (همان، ۱۳۹).

تملک اراضی و مستغلات به وسیله شیخیه با تحول کمی وقف در ایالت نیز همراه بود. تعدادی از بزرگ مالکان طایفه ابراهیمی و خیرین شیخی با وقف بخشی از املاک خود، منافع و درآمد آنها را به مصارف عام‌المنفعه برای پیروان خود اختصاص دادند. این سیاست ضمن کمک به توسعه اقتصادی و آبادانی ایالت، درآمدهای حاصله از موقوفات را به اداره مساجد و تکایا، برپایی مراسم عزاداری، امور آموزشی مدرسه ابراهیمیه، و مراکز بهداشتی - درمانی اختصاص می‌داد که به افزایش پیروان و اعتبار شیخیه منجر می‌شد. معمولاً تولید این موقوفات بر عهده فرزند بزرگ‌تر یا یکی از افراد خاندان ابراهیمی شیخی مسلک قرار داشت (رک: همین مقاله: بخش تحولات اجتماعی شیخیه).

خاندان ابراهیمی برای افزایش درآمد املاک موقوفه زراعی ناگزیر از توجه کمی و کیفی به محصولات بودند. از آنجا که در عصر قاجاریه برخی از تولیدات زراعی کرمان مانند گندم، پنبه، حنا، زیره، تریاک و رنگ رشد چشم‌گیری داشت و به کالاهای صادراتی تبدیل شد (وزیری: ۱۶۰، ۲۱۶، ۲۷۳). از این رو دور نیست که فعالیت زمین‌داران بزرگ ابراهیمی مانند محمد تقی خان، حاج خسرو خان، حاج موسی خان را در توسعه کشاورزی ایالت حائز اهمیت دانست (همان، ۱۳۹، ۲۸۱ و ۲۸۴).

ب - شیخیه و فعالیت‌های تجاری

ابراهیم خان ظهیرالدوله، پدر حاج محمد کریم خان، و حاج آقا علی، تاجر شیخی، که به ترتیب قیصریه (قیصریه که در اثر مبادلات بازرگانی شرق و غرب به مجموعه بازار راه یافته، محل صنعتگران و پیشه‌وران ظریف‌کار، مانند زرگرها و علاقه‌بندان و گوهریان بوده است. در حال حاضر مهم‌ترین آنان قیصریه ابراهیم خان، قیصریه خان و قیصریه قزوین هستند که قیصریه قزوین از بین رفته است (بیگلری، ۱۳۵۵، ۱۶) و یک کاروانسرا تأسیس کرده بودند، پیشگامان رونق تجاری کرمان شدند. قیصریه ابراهیم خانی تدریجاً کانون داد و ستد معاملات اقتصادی اصناف شیخی شد. ابتدا دو صنف زرگر و عتیقه فروش شیخی در قیصریه به کسب و کار مشغول بودند. سپس تاجر شیخی در آنجا سکونت گزیدند. (رساله کاتب کرمانی، ۱۳۷۱، ۴۲۳، ۴۲۴؛ صنعتی زاده، ۱۳۶۴، ۱۰۶، (علیرغم آنکه سی و هشت سال از تحقیق آقای بیگلری گذشته است؛ اما همچنان قیصریه ابراهیم خان مهم‌ترین قیصریه و بازار زرگری کرمان به شمار می‌رود). بدین ترتیب اغلب کسبه قیصریه ابراهیم خان را شیخیه تشکیل می‌دادند. (همان، ۱۰۸).

شیخیه در زمینه گسترش راه‌ها و تحولات اقتصادی اقدامات عمده‌ای انجام دادند (رک همین مقاله بخش: تحولات اجتماعی شیخیه) که نتایج آن افزایش تعداد تاجر شهر بود. برخی از این تاجر شیخی بودند به عنوان نمونه یکی از آنها حاج آقا علی تاجر شیخی که به سبب تجارت، نمایندگانی را در بمبئی، اصفهان، طهران، مشهد، تبریز و اسلامبول داشت (وزیری، همان: ۲۸۴)، کاروانسرای در کرمان بنا کرد که محل باراندازی و تخلیه و بارگیری کاروان‌های تجاری از کرمان به نواحی یاد شده و بالعکس بود. در کاروانسرای مذکور تاجر بومی و غیر بومی نیز به خرید و فروش و انجام معاملات تجاری اشتغال داشتند (همان، ۱۶۱، ۱۶۲) که همه به رشد تجارت کرمان و در نتیجه افزایش درآمد و توسعه آبادانی و رشد شهر نشینی در ایالت کمک می‌کرد. حاج آقا علی در سال ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۲ م برای حفظ بازرگانان و کالاهایشان از گرمای تابستان و سرمای زمستان کاروانسرای خود را در کنار مسجد چهل ستون تکمیل کرد. این کاروانسرا تا به امروز باقی مانده که شامل حجره‌های متعدد و آب انبار است (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۱۰؛ زنگی آبادی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۸۲).

۲ - تحولات اجتماعی شیخیه

الف - شیخیه و خدمات پزشکی و بهداشتی

شیخیه در زمینه طبابت و حفظ و ارتقای سلامت فردی و اجتماعی و ارائه خدمات بهداشتی-درمانی در کرمان در دوره قاجار نقش مؤثری داشتند. حاج محمد کریم خان در فن طبابت آثاری تألیف کرد که از آن میان می‌توان به جوامع العلاج، حقایق الطب و دقایق العلاج اشاره کرد (ابراهیمی، ابوالقاسم خانبی‌تا، ج ۲: ۴۱۸-۴۲۰). حسن محیط کرمانی از شاگردان و مریدان حاج محمد کریم خان بود که کتاب طبی جوامع العلاج را از عربی به فارسی ترجمه نمود (مدرسی تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۱۵). بدین ترتیب اولین اقدامات در جهت علاقه‌مند کردن فرقه شیخیه به فن طبابت از سوی مؤسس شیخیه کرمان برداشته شد.

در سال ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ م. بیماری گلو درد در کرمان همه‌گیر شد، آن‌چنان که سلامت عمومی شهر را تهدید می‌کرد. برخی از اعضای خاندان ابراهیمی شیخی مذهب با به‌کارگیری برخی از شیوه‌ها مانند داغ کردن زخم گلو، این بیماری را معالجه می‌نمودند و با مداوای افراد مبتلا جان آنان را از مرگ نجات دادند (روزنامه ایران، ۱۳۷۵، سیزدهم ذی الحجه ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ م، ج ۳: ۱۷۵۲).

از اطباء معروف شیخی باید به حاج میرزا حسن و پسرش، میرزا عبدالرضا خان، اشاره نمود که بیماران فرقه شیخیه به ایشان مراجعه می‌کردند. میرزا عبدالرضا خان معروف به حافظ الصحه طبیب دولتی بود (وزیری، همان، ۱۳۵) که از طرف حاکم کرمان مقرری معینی داشت. وی در پیشگیری و مداوای برخی از بیماری‌ها کمال تخصص و مهارت را داشت. در سال ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۲ م که دو بیماری سکنه و گلو درد در کرمان شیوع یافته بود، دولت بنابر حکمی اجرای طرح واکسیناسیون اطفال را به میرزا عبدالرضا خان واگذار کرد (روزنامه ایران، یکشنبه، دوازدهم جمادی الثانی ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۲ م، ص چهارم، ج ۳: ۲۱۲۹). میرزا عبدالرضا خان با انجام این مأموریت گام مؤثری در جلوگیری از مرگ و میر کودکان و بهبود نسبی بهداشت عمومی این شهر برداشت.

در سال ۱۳۲۲ ق/ ۱۹۰۴ م. بیماری وبا در کرمان همه‌گیر شد و جان بسیاری از افراد را گرفت. اغلب رجال سیاسی و صاحب منصبان اداری و دیوانی از بیم ابتلاء به این بیماری از شهر خارج شدند. تجار و صاحبان اصناف و حرف برای انجام معاملات تجاری به نواحی دیگر رفتند. بدین ترتیب شهر خالی از سکنه گردید. میرزا عبدالرضا خان شیخی تنها طبیبی بود که در شهر ماند و به مداوای بیماران پرداخت (روزنامه ایران سلطانی، ۱۳۸۰، سه شنبه ۱۴ رمضان ۱۳۲۲ ق/ ۲۲ نوامبر ۱۹۰۴، ص ۳: ۲۷۵).

بنابراین فعالیت های بهداشتی و طبی میرزا عبدالرضا خان در پیشگیری و درمان بیماری ها و حفظ سلامت عموم جامعه کرمان بسیار مؤثر و مفید بود.

از اقدامات مهم دیگر شیخیه تأسیس بیمارستان درمانی - آموزشی نوریه بود که در سال های پایانی دوره قاجار یعنی ۱۳۳۸ ق/ ۱۹۲۰ م به دست نورالله خان، ملقب به ظهیر الممالک، پسر خسرو خان، (پسر ابراهیم خان ظهیرالدوله) انجام پذیرفت. وی برای تأمین هزینه های بیمارستان، املاک پراکنده فراوانی را وقف کرد^(۲)، به منظور ایجاد نظم و سامان بخشی در روند امور اداری و مالی بیمارستان از همان ابتدا متولی برای املاک موقوفه معین کرد. وی در ابتدا پسر خود، یدالله خان، را به این مقام گماشت. نورالله خان به منظور حفظ و نگهداری املاک موقوفه و جلوگیری از تصرف و تعرض دیگران به این املاک، تولیت و سرپرستی بیمارستان را نیز در آینده معین کرد، افراد مشخص شده برای تولیت عبارت بود از: ۱- فرزندان پسر خسروخان (یعنی برادران نورالله خان)، ۲- فرزندان و احفاد پسر ابراهیم خان ظهیرالدوله، ۳- فرزندان و اولاد دختر خسرو خان و ابراهیم خان (تقدم فرزندان خسرو خان بر ابراهیم خان)، ۴- متولی موقوفه مدرسه ابراهیمیه ۵- یکی از اعضای خاندان ابراهیم خان (اولاد خسروخان یا ابراهیم خان ظهیرالدوله) و ۶- در صورت فقدان فردی در هر یک از طبقات یاد شده حاکم شرع موظف بود که یکی از متدینین و معتقدین کرمانی را به این مقام انتخاب نماید. بنابراین با وجود افراد حائز شرایط در هر طبقه، امر تولیت و نظارت به افراد طبقه دیگر نمی رسید. در واقع نورالله خان با این سیاست در صدد بود تا مالکیت املاک وقفی و نظارت بر بیمارستان همواره در اختیار اقوام و خویشان شیخی خود باقی بماند (وقف نامه نورالله خان).

بنابر نص وقف نامه ناظر موقوفه موظف بود، همه ساله پس از پرداخت مالیات و هزینه های تعمیر قنوات و بناها و حق الزحمه به کارگران و سایر هزینه های جانبی، درآمد باقی مانده را به ده بخش تقسیم نماید، یک بخشی از این ده قسمت را سه قسم نماید که دو سهم از آن به عنوان حق التولیه و یک سهم به عنوان حق نظارت، به متولی پرداخت شود (همان).

ناظر موقوفه نیز می بایست عשרی دیگر از درآمد موقوفه را ده جزء نماید، یک جزء از آن را صرف هزینه های مراسم تعزیه داری کند شش عشر را صرف برپایی مراسم عزاداری در ماه های محرم و صفر یا ده شب در ماه رمضان کند. در حیاط مریض خانه یا در هر جا که صلاح می داند، اختصاص دهد. حق الزحمه روضه خوانان، اطعام میهمانان مراسم و سایر هزینه های آن نیز از محل همین درآمد پرداخت می گردید. درآمد سه عشر باقی مانده نیز صرف برگزاری مراسم عزاداری و روضه خوانی در عصر جمعه هر هفته می شد. متولی موقوفه موظف بود هشت قسمت دیگر از درآمد را زیر نظر ناظر

موقوفه به احداث دو مریض خانه زنانه و مردانه و ساخت سکونت‌گاهی برای استراحت پزشکان و مسکنی برای سکونت استادان طب بیمارستان و حمامی برای بیماران و آسیب دیدگانی که در ناحیه شاه مراد خانی مقیم بودند، اختصاص دهد (همان).

سایر هزینه‌های بیمارستان مانند خرید دارو، وسایل جراحی، پرداخت حقوق پزشکان زن و مردی که دارای تصدیق نامه پزشکی بودند، پرداخت حقوق پرستاران و سایر کارکنان بیمارستان، مداوای بیماران، تهیه غذا و سایر امکانات رفاهی برای بیماران مانند لحاف و لباس نیز از محل درآمد هشت بخش باقی مانده تأمین می‌گردید. در صورت مرگ بیمار نیز هزینه کفن و دفن نیز با رضایت وارثان از همین محل پرداخت می‌شد (همان).

این بیمارستان همچنین مجهز به بخش زنان بود که از دانش و مهارت زنانی که در فن قابلگی و مامایی تخصص داشتند استفاده می‌شد. پرستاران نیز موظف بودند همه روزه بر اطلاعات پزشکی و قابلگی خود بیفزایند. پزشکان نیز می‌بایست با راهنمایی خود دانش آنان را در این دو فن ارتقاء بخشند (همان).

پیروی از مذهب شیخی از شرایط استخدام پزشکان در این بیمارستان بود. در صورت عدم وجود پزشک شیخی، پزشک کرمانی بر غیر کرمانی و در مرحله بعد پزشک ایرانی بر غیر ایرانی اولویت داشت. عدم استعمال مواد مخدر از دیگر شروط گزینش طبیبان در این بیمارستان بود (همان). در این بیمارستان خدمات بهداشتی و طبابت و آموزش پزشکی به صورت رایگان در اختیار مراجعه کنندگان قرار می‌گرفت (همان).

علاوه بر بیمارستان، احداث حمام عمومی بخش دیگری از خدمات بهداشتی خاندان ابراهیمی در کرمان محسوب می‌شود. بنا به دستور ابراهیم خان ظهیرالدوله، پدر حاج محمد کریم خان از دوستان و مریدان شیخ احمد احسائی، در سال ۱۲۳۰ ق/ ۱۸۱۵ م. حمامی در جنب مدرسه ابراهیمیه ساخته شد (وزیری، ۱۳۷۵: ۶-۷۰۲؛ احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۴۴).

بنابراین فرقه شیخیه در زمینه توزیع بهتر خدمات بهداشتی و درمانی اقدامات مؤثری برای رفاه حال عموم اهالی کرمان برداشتند که در بهبود نسبی بهداشت در این شهر و کاهش میزان مرگ و میر بسیار موثر گردید.

از آنجا که بخشی از درآمد موقوفات مؤسسات آموزشی، درمانی و نهادهای اجتماعی شیخیه را اراضی مزروعی و کشاورزی تشکیل می‌داد، لذا بهره‌برداری از واحدهای زراعی در منطقه کویری مانند کرمان به چگونگی تأمین آب و رفع دشواری‌های آبیاری متکی بود؛ لذا برخی از اعضای خاندان

ابراهیمی شیخی مسلک تلاش‌های گسترده و مهمی در زمینه دستیابی به آب زراعی و آب موردنیاز شهر انجام دادند.

ب - شیخیه و خدمات عمرانی و رفاهی

ابراهیم خان ظهیرالدوله نخستین عضو این خاندان است که به تعمیر و احیاء قنوات مخروبه در کرمان و نواحی حومه این شهر اقدام کرد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۴۶-۱۴۴؛ باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۱۲). سپس بنابر دستور همسر وی معروف به «نُواب مُتعالیه» و «دَوْلَت گلدی»، ملقب به همایون سلطان و خانم خانم‌ها، دختر بزرگ فتحعلی شاه، در کرمان قناتی معروف به «قنات فتح آباد» حفر شد. بنا به توصیه وی این قنات پس از بهره برداری بر مسجد جامع این شهر وقف شد تا آب مورد نیاز نمازگزاران و مردم شهر از این طریق تامین شود (سند شماره ۲؛ وزیری، ۱۳۸۵ ش، ۱۳۷).

فضلعلی خان بیگلربیگی، داماد ابراهیم خان ظهیرالدوله (حک: ۱۲۶۲-۱۲۶۵ ق/ ۱۸۴۶-۱۸۴۹ م) در دوره زمامداری اش چند رشته قنات در کرمان احداث کرد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۱۵). یکی از این قنوات به نام خود او تا دوره اخیر در کرمان آبادان بود. در کنار احداث قنات چند آب انبار نیز برای تأمین آب آشامیدنی محلات کرمان به دستور ابراهیم خان ظهیرالدوله و کوشش حاج آقا علی تاجر شیخی در سال‌های ۱۲۳۰ ق./ ۱۸۱۵ م. و ۱۲۹۹ ق./ ۱۸۸۲ م. در کرمان احداث شد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۱۰ و ۱۴۴؛ زنگی آبادی، ج ۲: ۱۴۲). خاندان ابراهیمی شیخی مسلک و برخی خیرین شیخی در رفع کم‌آبی و افزایش حجم آب کرمان اقدامات مهم و قابل توجهی انجام دادند.

برخی از اعضای خاندان ابراهیمی از پیشگامان عکاسی در کرمان دوره قاجاری بودند. میرزا حسین عکاسی اگر چه کرمانی نبود؛ اما به واسطه ازدواج خواهرش با حاج محمد کریم خان در این دیار سکونت گردید. به احتمال زیاد وی حرفه عکاسی را در طی سفرش به بمبئی برای چاپ کتاب ارشاد العوام تألیف حاج محمد کریم خان آموخت. (نیک پور، روزنامه کرمان امروز، چهارشنبه ۱۴ آذر ماه ۱۳۷۵-۲۲ رجب ۱۴۱۷/ ۴ سپتامبر ۱۹۹۶: ۴). از آنجا که اولین بار ارشاد العوام در تاریخ ۱۲۶۸ ق/ ۱۸۵۲ م در بمبئی چاپ شد (ابراهیمی، بی‌تا، ج ۲: ۳۷۸). بنابر این ظهور این حرفه به حدود این سال‌ها در کرمان باز می‌گردد. میرزا حسین پس از بازگشت به کرمان، رسماً به عکاسی پرداخت. او از معمرین کرمان بود و اغلب فعالیت عکاسی وی در دوره قاجار بود. پس از او پسرش ملقب به موسیو عکاس به صورت جنبی کار پدرش را ادامه داد؛ اما عمده فعالیت عکاسی وی در دوره پهلوی بود. از همان دوره قاجار خاندان ابراهیمی شیخی مسلک عکاسخانه ای به‌نام «عکاس خانه ابراهیمی» داشتند که اغلب

طایفه شیخیه به آنجا مراجعه می‌کردند (نیک پور، همان). برخی عکس‌های برجای مانده از رهبران این فرقه نشانگر فعالیت این عکاس‌خانه در آن دوره می‌باشد. آن چنان که پایین عکسی از حاج محمد خان، پیشوای شیخیه کرمان، نام «عکاس‌خانه محمد ابراهیمی» درج شده است.

ج - شیخیه و توسعه ارتباطات و سیستم حمل و نقل

از دیگر برنامه‌های عمرانی شیخیه، توسعه ارتباطات و خطوط حمل و نقل شهری ایالت کرمان بود. عباسعلی خان دُنبلی(میرپنج) اهل خوی و یکی از نخستین چهار نفری بود که در دوره آموزشی الفبای مورش شرکت کرد و در راه اندازی و نصب سیستم تلگراف تبحر یافت. وی پس از مدتی اقامت در سبزوار به سبب علاقه و گرایش به مسلک شیخی‌گری و به منظور دیدار با بزرگان این فرقه به کرمان آمد و شیخی شد. عباسعلی‌خان در دوره اقامت خود در این شهر در احداث تلگرافخانه و توسعه خطوط اتصالی بسیار کوشید(گزارش‌های تلگرافی آخرین سال‌های عصر ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۰۹ ق.)، ۱۳۶۹: ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۱۷۴). وی یکی از نخستین افرادی بود که همراه با یک تلگرافچی فرنگی در سال ۱۲۹۶ ق. / ۱۸۷۹ م. در برقراری خطوط تلگرافی کرمان نقش عمده‌ای داشت. بنابر پاره‌ای از گزارش‌ها نخستین فرزند عباسعلی‌خان -محمدقلی- که در کرمان متولد شده و بالیده بود کارمند تلگرافخانه کرمان شد و به لقب «مُبَشِّر حضرت» ملقب گردید. بنابر این گزارش‌ها، نام این شخص را حاج محمد کریم خان هنگام تولد وی برگزیده بود. اما صحت این گزارش‌ها به لحاظ تاریخی مورد تردید است. زیرا تاریخ فعالیت عباسعلی‌خان در تلگراف در سال ۱۲۹۶ ق. / ۱۸۷۹ م. بوده، (سفرنامه تلگرافچی فرنگی، ۱۳۸۵، ج ۱۹ - ۲۰: ۱۸۳/۱۹). حال آنکه، حاج محمد کریم خان، هشت سال پیش از آن یعنی ۱۲۸۸ ق. / ۱۸۷۱ م. در گذشته بوده است و پسر او حاج محمد رحیم خان در زمان احداث خطوط تلگراف جانشین وی بوده است. علاوه بر این تاریخ ارسال تلگراف مرتضی قلیخان وکیل الملک، معروف به وکیل الملک ثانی(حک: ۱۲۸۶-۱۲۹۵ ق/ ۱۸۶۹ - ۱۸۷۸ م) به دربار قاجاری (در موضوع اعتراض کارگری که منجر به تبعید دو رهبر شیخیه و بالاسری شد) در سال ۱۲۹۴ ق. / ۱۸۷۷ شاهدهی بر عدم صحت گزارش‌های مزبور می‌باشد (احمدی کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۸۶). به هر حال آنچه در این باره حائز اهمیت است تلاش و کوشش عباسعلی شیخی مسلک در راه‌اندازی و تأسیس خطوط تلگرافی است که مهم‌ترین تحول در شبکه ارتباطی کرمان در دوره قاجاری محسوب می‌شود نه مسأله تعیین ملاقات عباسعلی خان با رهبران شیخیه. تلگراف صرف نظر از آن که از وسایل مهم «خبررسانی» بود، زمینه‌ساز وقوع برخی از حوادث و آشوب‌ها گردید. آن چنان که در منازعات فرقه‌ای

شیخی - بالا سری کرمان در سال ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵ م. هر دو گروه شیخیه و متشرعه اخبار و وقایع کرمان را به دربار قاجار مخابره و هر یک از آنان پیام‌هایی از تهران دریافت کردند (سند شماره ۱؛ رساله کاتبکرمانی، ۱۳۷۱: ۴۳۱؛ ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۲۴۲/۱). بدین شیوه اختلافات کرمان به اوج رسید و سرانجام به یک بحران اجتماعی تبدیل شد. عباسعلی خان پس از مدتی اقامت در کرمان با پایان رساندن مأموریتش در احداث خطوط تلگراف در شهرهای کرمان، به کرمانشاه رفت و در آنجا مشغول به کار شد (گزارش‌های تلگرافی آخرین سال‌های عصر ناصرالدین شاه (۱۳۰۹-۱۳۱۳ ق)، ۱۳۶۹: ۲۷۲ و ۲۷۱).

به همت و نظارت برخی از اعضای خاندان ابراهیمی شیخی و خیرین این فرقه اقدامات مهم ارزنده‌ای در زمینه توسعه و گسترش راه‌های ارتباطی و خطوط مواصلاتی بین شهری برداشته شد. بنا به گزارش برخی منابع، نورالله خان یکی از نخستین افرادی بود که در این زمینه پیش‌قدم بود. وی تقریباً مبلغ یکصد هزار تومان در این زمینه هزینه کرد. او به اصلاح و نوسازی راه ارتباطی کرمان - مشهد پرداخت. بنا بر دستور وی کوه‌ها و گردنه‌های واقع شده در مسیر راه تراشیده شد و برخی دیگر از مسیر جاده که از نواحی صعب‌العبور و کوهستانی می‌گذشت به نواحی هموار منتقل گردید که سبب رونق و آبادانی برخی از روستاها و نواحی دور افتاده و برخی از شهرهای ایالت مانند زرنند نیز گردید (افضل الملک، بی تا، ۱۸۲، ۱۸۳).

نورالله خان برای رفاه حال مسافران و تجار این مسیر به ساخت کاروانسراها و توقف‌گاه‌هایی اقدام کرد. حاج آقا علی تاجر شیخی در این جاده در کنار کوه معروف به کله گاو در منزلی موسوم به آب و بید از توابع کوهپایه، کاروانسرا و آب‌انباری ساخت (همان، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶). از آنجا که ارتباطات و حمل و نقل از ضروریات و مهمات اجتماعی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود شیخیه با طرح و اجرای پروژه‌هایی در این زمینه‌ها بزرگ‌ترین تحول را در این باره در کرمان به وجود آوردند. بدین ترتیب فرقه شیخیه با حضور خود در اجتماع کرمان تحولات گوناگونی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی (کشاورزی و تجارت) و فرهنگی در این شهر پدید آوردند. از این رو نزاع و اختلاف آنان با دیگر گروه‌های اجتماعی این شهر یعنی (صوفیه و متشرعه) امری طبیعی بود.

نتیجه

در دوره قاجار شیخ احمد احسائی، عالم اخباری شیعه، درصدد بود تا به اختلافات و درگیری‌های مذهب شیعه دوازده امامی پایان دهد؛ لذا دیدگاه جدیدی در خصوص اعتقادات شیعه در استنباط از متون

دینی ارائه داد و فرقه جدیدی به نام شیخیه تأسیس کرد تا به نزاع‌های میان دو دیدگاه اصولی و اخباری که میراث دوره زمامداری صفویه در ایران بود پایان دهد؛ اما این فرقه تازه تأسیس خود بر اختلافاتو انشعابات درونی مذهب شیعه افزود. یکی از شاگردان جانشین احساسی، سید کاظم رشتی، حاج محمد کریم خان با استفاده از امکانات و منابع مالی و پشتوانه‌های معنوی که در اختیار داشت شاخه جدیدی از شیخیه موسوم به رکنیه یا کریم‌خانی را در کرمان تأسیس کرد. پس از آنکه طایفه شیخی مسلک ابراهیمی براوضاع سیاسی کرمان مسلط شدند برای آنکه بر اقتدار خود بیفزایند مهم‌ترین ابزارهای تولید را در اختیار خود قرار دادند که این موضوع خود سبب گردید تا اعضای این خاندان به زمین‌داران بزرگی مبدل شدند. مضافاً آنکه سیاست‌های سخت‌گیرانه مالیاتی دولت مرکزی قاجار نیز که منجر به فروش زمین‌های روستایی از سوی دهقانان به خوانین ابراهیمی گردید، که خود تحول مهمی را در عرصه مالکیت اراضی ایالت کرمان در پی داشت. از آنجا که پیروان شیخی در کرمان در اقلیت بودند خوانین و اعیان این فرقه بر آن شدند تا با احداث مراکز خرید و حمام و بیمارستان و مدرسه برای پیروان شیخی خود آنان را از مراجعه به مراکز درمانی و اقتصادی دیگر طبقات اجتماعی شهر بی‌نیاز نمایند، تا به این وسیله بر نفوذ خود بیفزایند. از این رو این موضوع خودگسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی و خدمات عمرانی و رفاهی شهر را به همراه داشت. یکی از پیامدهای تأسیس بیمارستان رشد بهداشت و افزایش جمعیت در ایالت کرمان در عصر قاجار بود. از سوی دیگر رونق این مراکز عام المنفعه عمومی به منابع مالی قابل توجهی وابسته بود لذا تأمین این درآمدها در قالب وقف به منصفه ظهور رسید. خاندان شیخی مذهب ابراهیمی با تنظیم وقف‌نامه‌هایی برای موقوفات خود حق تولید آن را برای پیروان خود محفوظ نگه داشتند. همچنین آنان برای رسیدگی به املاک خود بر آن شدند تا راه‌های مواصلاتی این ایالت را با دیگر ایالت‌ها سامان دهند، مضافاً آنکه کاروانسراهایی در بین شهرها ایجاد کردند که خود رونق بخش سیستم حمل و نقل جاده‌ای بود. در این میان به نظر می‌رسد که به سبب مسائل عقیدتی راه بین مشهد - کرمان نیز از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. منابع مالی اعضای این خاندان و علاقه‌شان به پیشرفت‌های فنی و تکنولوژی جدید و نیز به حفظ و نگهداری تصاویر رهبران‌شان سبب گردید تا صنعت تصویربرداری در این ایالت نضج گیرد که این موضوع خود باعث گردیده است تا بر غنای منابع و مآخذ تصویری تاریخ کرمان افزوده گردد.

منابع

کتاب‌ها و مقالات

- آل الطالقانی، السید محمدحسن (۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م.) الشیخیه نشاتها و تطورها و مصادر دراستها، بیروت.
- ابراهیمی، ابوالقاسم خان (بی‌تا) فهرست کتب مشایخ عظام اعلی الله مقامهم، کرمان: سعادت.
- _____ (بی‌تا) فهرست کتب مشایخ عظام اعلی الله مقامهم، کرمان: سعادت.
- _____ (بی‌تا) عبد الرضا خان، اصفهانیه، در جواب شخصی از اصفهان، کرمان: چاپخانه سعادت.
- _____ (۱۳۵۰ ش.) نظری به قرن بیستم در جواب آقای جمال صفری، کرمان، چاپخانه سعادت.
- احسائی، احمدبن زین الدین (۱۳۵۳) ترجمه‌حیوة النفس، ترجمه سیدکاظم رشتی، کرمان: چاپخانه سعادت.
- کرمانی، محمد کریم خان (بی‌تا) ارشاد العوام، کرمان: چاپخانه سعادت.
- کرمانی، عبدالله (۱۳۸۷ ق.) رساله شرح حالشیخ اجل اوحد مرحوم شیخ احمد احسائی انارالله برهانه، ترجمه محمد طاهر خان کرمانی، کرمان: چاپخانه سعادت.
- احمدی کرمانی، یحیی (۱۳۷۱ ش.) فرماندهانکرمان، تهران: علم.
- افضل الملک، غلامحسین خان (بی‌تا.) سفرنامه خراسان وکرمان، به اهتمام قدرت الله روشنی (زعفرانلو)، تهران: طوس.
- اکبری، محمد علی (۱۳۸۱) «شیخیه از اعتراض تا تأسیس فرقۀ مذهبی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۴، تابستان، صص ۱۷-۳۸.
- _____ (۱۳۸۲) «نقش اندیشه های شیخی در ظهور جنبش بابیه»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۳۸ (۱)، تابستان، ۱۱-۳۴.
- الگار (۱۳۸۴ ش.) «نیروهای مذهبی در سده های ۱۸ و ۱۹ م»، تاریخ ایران در دوره پهلوی از رضاشاهتا انقلاب اسلامی.

چهاردهی، نورالدین (۱۳۶۲ش.) از احساء تا کرمان درباره عقاید و آداب مراسم مذهبی شیخیه، تهران، گوتنبرگ(میر).

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۱) حواشی و تعلیقات او بر فرماندهان کرمان، تهران، علم.

_____ (۱۳۸۵) هواخوری باغ، تهران: علم.

بیگلری، اسفندیار (۱۳۵۵) بازارهای ایران، مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۲.

تنکابنی، میرزا محمد (۱۳۹۶ق) قصص العلماء، به سرمایه حاج سید محمود کتابچی، بی جا، انتشارات علمیه اسلامیة، ۴۷، ۴۲.

جمالزاده، سید محمد علی (۱۳۴۰) «شیوخ سلسله شیخیه»، یغما، ۹، صص ۴۰۲-۴۰۱.

_____ (۱۳۴۰ش) «شیوخ سلسله شیخیه»، یغما، ۱۱، صص ۴۱۷-۴۹۳.

_____.

_____ (۱۳۴۰ش) «شیوخ سلسله شیخیه»، یغما، ۱۲، صص ۵۳۸-۵۴۳.

_____.

حائری، عبدالهادی (۱۳۸۱) تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق،

تهران، امیرکبیر.

رساله کاتب کرمانی (۱۳۷۱) به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی، تهران، علم.

رشتی، سید کاظم (بی تا) کتاب اصول عقاید، بی جا، عسگر سلیمانیان، ۳، ۳۵، ۹۹، ۱۳۶، ۱۵۴.

رضوی، میرزا نعمه الله (۱۳۸۷ ق.) رساله تذکره الاولیاء در شرح احوال عالم ربانی و حکیم

صمدانی مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه، کرمان: چاپخانه سعادت.

زنگی آبادی (۱۳۷۰) جغرافیا و برنامه ریزی شهر کرمان، دو جلد در یک مجلد، جلد دوم: بازار

عناصر کالبدی و برنامه ریزی شهری، کرمان: کرمان شناسی.

سفرنامه تلگرافچی فرنگی (۱۳۸۵) به کوشش عباس سایانی و ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین،

زیر نظر و به کوشش ایرج افشار، تهران، سخن، ج ۱۹-۲۰.

صنعتی زاده، همایون (۱۳۶۴) روزگاری که گذشت، گیلان: چاپخانه گیلان.

غفاری، حسین (۱۳۸۶) «ملا صدرا: تعالیم»، تاریخ فلسفه اسلامی، زیر نظر حسین نصر و

الیور لیمن، تهران: حکمت.

فشاهی، محمد رضا (۲۵۳۶ شاهنشاهی) واپسین جنبش قرون وسطایی در دوران فتودال،

تهران: چاپخانه محمد حسین علمی.

- فوران، جان (۱۳۸۶) مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کرین، هنری (۱۳۴۶) مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی، ترجمه فریدون بهمنیار، تهران: تابان.
- کرمانی، محمد خان (۱۳۵۱) رساله بهیهانیه، کرمان: مدرسه مبارکه ابراهیمیه.
- کرمانی، محمد کریم خان (بی‌تا) ارشاد العوام، کرمان: چاپخانه سعادت.
- _____ (۱۳۸۰ق.) هدایه الطالبین، کرمان، چاپخانه سعادت.
- گزارش‌های تلگرافی آخرین سالهای عصر ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۰۹ ق.) (۱۳۶۹) با مقدمه دکتر محمد امین ریاحی، به کوشش شهریار ضرغام، بی‌جا: شهریار ضرغام.
- مدرسی تبریزی، محمد علی (۱۳۷۴) ریحانه الادب فی تراجم المعروضین بالکنیه و اللقب، تهران، خیام.
- مدرسی، مرتضی (بی‌تا) شیخی‌گری، بابی‌گری از نظر فلسفه، تاریخ، اجتماع، تهران: کتاب فروشی فروغی.
- معصوم‌علی شاه دکنی (۱۳۴۴ق.) «محمد معصوم شیرازی»، طرائق الحقایق، به تصحیح محمد جعفر محبوب، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۸۴) تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر.
- نصر، سیدحسین (۱۳۶۵) «مکتب اصفهان»، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تاریخ فلسفه در اسلام، به کوشش میان محمد شریف، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۶۵) «صدرالدین شیرازی»، ترجمه کامران فانی، تاریخ فلسفه در اسلام، به کوشش میان محمد شریف، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۴۹۶، ۲/۴۹۵.
- _____ (۱۳۸۷) «جنبش‌های مذهبی؛ فلسفه و الهیات در دوره صفوی»، تاریخ ایران کمبریج.
- نیک پور، مجید (۱۳۷۵) «کرمان دیروز به روایت تصویر»، روزنامه کرمان امروز، چهارشنبه ۱۴ آذر ماه ۲۲، رجب ۱۴۱۷/۴ سپتامبر ۱۹۹۶، ص ۴.
- نجفی، سید محمد باقر (۱۳۵۷) بهائیان، تهران، کتابخانه طهوری.
- نوائی، عبدالحسین (بی‌تا) حواشی و توضیحات بر فتنه باب اعتضاد السلطنه (علیقلی میرزا)، بی‌جا: بی‌نا.

وزیری، احمد علی خان (۱۳۸۵) *جغرافیای کرمان، به کوشش باستانی پاریزی، تهران، علم.*
 _____ (۱۳۷۵) *تاریخ کرمان، به کوشش باستانی پاریزی، تهران، علمی.*

اسناد و روزنامه ها

روزنامه ایران، سیزدهم ذی الحجه ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ م، نمره ۴۳۶، تهیه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، جلد سوم شماره ۶۳۹-۶۴۱، ۱۳۷۵ ش، ۱۷۵۲/۳.

روزنامه ایران، یکشنبه، دوازدهم جمادی الثانی ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۲ م، نمره ۴۸۵، ص چهارم، جلد سوم شماره ۶۳۹-۶۴۱، ۲۱۲۹/۳.

روزنامه ایران سلطانی، سه شنبه ۱۴ رمضان ۱۳۲۲ ق/ ۲۲ نوامبر ۱۹۰۴، سال ۵۷، شماره ۱۷، ص ۳، مدیر مسئول، محمد ندیم سلطان، محمد باقر اعتماد السلطنه، تهیه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۸۰ ش، ۲۷۵.

سند شماره ۱، محل نگهداری، اداره کل اسناد دیپلماسی و تاریخ وزارت امور خارجه، به تاریخ ۱۳۳۲، به شماره ۶۲-۵-۱۵-۱۳۳۲.

سند شماره ۲، محل نگهداری، اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، به تاریخ ۱۳۳۰ ق، به شماره ۱۴، ۲۶، ۳۳.

وقف نامه نورالله خان (=ظهیرالممالک)، بن خسروخان، ۱۲۳۸ ق، وقف نامه چاپ سنگی، اداره

کل اوقاف کرمان، به شماره ۴۰۷ آرشیو: رفسنجان، ب/۵: آرشیو تهران به شماره ۴۹.

Denis Herman, Et, OmidRezai, "Le Role Du Vaqf Dans La Formation De La Communaute Shakhi Kermani A L'Epoque Qajar (1259-1324/1843-1906), Studia Iranica 36, 2007, P.87- 131.

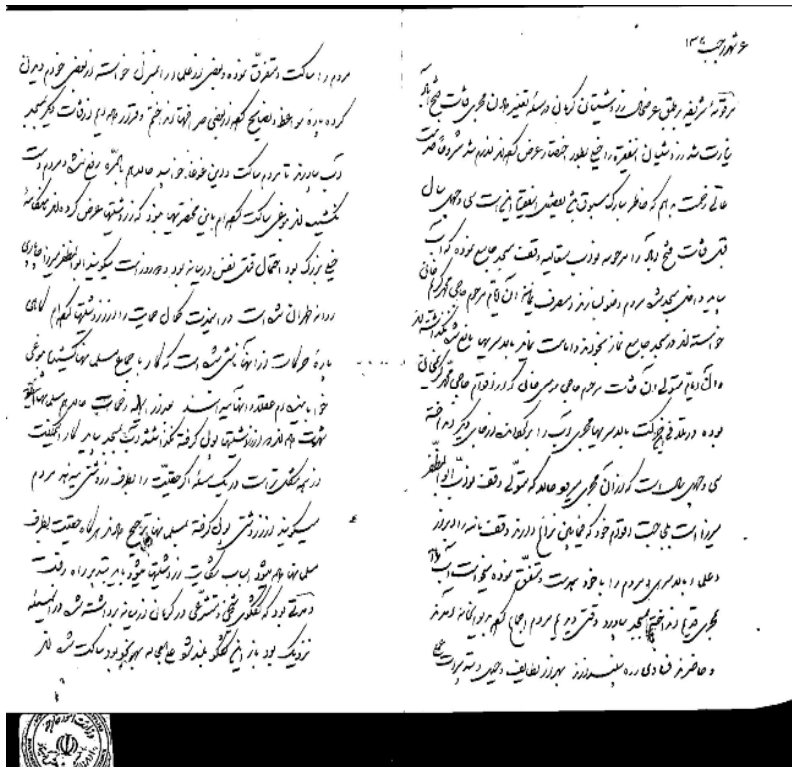
MacEoin, D. M. The Messiah Of Shiraz: Studies In Early Middle Babism, Leiden, 2009.

Idem, "Balasari", EI^r, London and Newyork, 1989, V. III, p.583-585.

Idem, "Shaykhiyya", EI², Leiden, Brill, 1986, V. IX, p.403-405.

متراف ز مبارک جیغ خاک که در دست لادن ایام از اطران و بیخ گلشنی این خرمین و در جبهه
 گفت نم یات کبر در دست این کوه خیزت غایب فوجی در شرف در نیت ملک چاک در کشت
 لادن خورشید لغت در آن نهادی مسوله مراد و آمد دهمه سال که تو در شرف از بحرین بر آن لادن در کشت
 در مزارط فوجی نیت کوه فوجی بر این کوه خیزت غایب فوجی در شرف از بحرین بر آن لادن در کشت
 لادن در این بی بی جبهه خیزت غایب فوجی بر این کوه خیزت غایب فوجی در شرف از بحرین بر آن لادن در کشت
 ایام از اطران و بیخ گلشنی این خرمین و در جبهه خاک که در دست لادن ایام از اطران و بیخ گلشنی این خرمین و در جبهه
 در مزارط فوجی نیت کوه فوجی بر این کوه خیزت غایب فوجی در شرف از بحرین بر آن لادن در کشت
 لادن در این بی بی جبهه خیزت غایب فوجی بر این کوه خیزت غایب فوجی در شرف از بحرین بر آن لادن در کشت
 ایام از اطران و بیخ گلشنی این خرمین و در جبهه خاک که در دست لادن ایام از اطران و بیخ گلشنی این خرمین و در جبهه

سند شماره ۱، درج در محل آرشیو اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، به شماره ۱۳۳۳ق-۱۵-۵-۶۲.



سند

شماره ۴، درج در محل آرشیواداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، به شماره ۱۳۲۰ ق - ۳۳ - ۲۶ - ۱۴.

یادداشت‌ها

۱- شیخ احمد از اهالی احساء فرزند زین العابدین بن ابراهیم بن صفّربن ابراهیم بن داغر بود که در ماه رجب سال ۱۱۶۶ ق/ ۱۷۴۸ م متولد شد. او دوران کودکی اش را در محیطی دور افتاده با حداقل امکانات آموزشی گذراند. در پنج سالگی قرآن را آموخت. در منابع شیخی خاطرات دوران کودکی و نوجوانی شیخ احمد با رؤیاها و عواطف رقیق مذهبی و میل به عزلت و احساسات جستجو گرانه همراه

است. در سال ۱۱۸۶ ق/ ۱۷۷۲ م وی به عتبات عالیات (نجف و کربلاء) عزیمت کرد و در درس و مجالس بحث و فحص علمای بزرگی چون مرحوم بهبهانی، سید مهدی بحر العلوم (د. ۱۲۱۲ ق/ ۱۷۹۸ م)، شیخ جعفر بن شیخ خضر معروف به کاشف الغطا (د. ۱۲۲۷ ق/ ۱۸۱۲ م) و میرسید علی طباطبایی (د. ۱۲۳۱ ق/ ۱۸۱۶ م) حاضر می شد و از سوی بحر العلوم و کاشف الغطا و میر سیدعلی اجازه نامه دریافت کرد؛ اما رهبران شیخیه براین باورند که شیخ احمد برخی علوم و معارف را در عالم رؤیا از ائمه معصومین در قالب سؤال و جواب به صورت شفاهی دریافت کرده است. شیخ احمد دوبار در سال های ۱۲۲۱ ق/ ۱۸۰۶ م و ۱۲۳۴ ق/ ۱۸۱۹ م به ایران سفر کرد و مورد احترام علمای شهرهای اصفهان، یزد، تهران و کاشان واقع گردید.

او در ابتدا در پی حمله وهاییان به منظور زیارت حرم امام رضا (ع) رهسپار مشهد گردید. و در مسیر حرکت خود به آنجا از یزد عبور کرد و در این شهر مورد توجه مشاهیر علماء آن بلاد (ملا اسماعیل عقدائی، حاج رجبعلی، آقا میرزا علیرضا، آخوند ملاحسین کرمانی) واقع گردید. او مدتی در این شهر توقف کرد و از سوی فتحعلی شاه به پایتخت، تهران، فرا خوانده شد و دو رساله به نام های خاقانیه و سلطانیه در پاسخ به پرسش های اعتقادی فتحعلی شاه نوشت. سپس او بیش از پنج سال در یزد اقامت گزید. برخی شاهزادگان و حکام قاجاری مانند ابراهیم خان ظهیرالدوله، حکمران کرمان، نیز به ملاقات او می رفتند. در این زمان شهرت علم و تقوی او در ایران فراگیر شد. در سال ۱۲۳۴ ق/ ۱۸۰۹ م او تمام اهل و عیالش را از بصره به یزد منتقل کرد. در ذی‌عده سال ۱۲۳۲ ق/ ۱۸۱۷ م مناسک حج را به جای آورد و در ربیع الاول ۱۲۳۳ ق/ ۱۸۱۸ م در نجف اقامت گزید وی در محرم ۱۲۳۴ ق/ ۱۸۱۹ م از طریق کرمانشاه مجدداً به ایران باز گردید. در این سفر در قزوین از سوی ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث (د. ۱۲۶۳ ق/ ۱۸۴۷ م یا ۱۲۶۴ ق/ ۱۸۴۸ م) به سبب عقیده خاصی که در رابطه با معاد اظهار کرد تکفیر گردید. شیخ بعد از تکفیر قزوین را به مقصد مشهد ترک کرد. وی در طول سفر به مدت سه ماه در یزد اقامت گزید؛ اما در آنجا با مشکلات فراوانی روبه رو گردید و دیگر نقاط مانند خراسان، اصفهان و نجف و نیز از علماء بی حرمتی ها دید و از سوی آنها تکفیر شد ناگزیر روانه کربلا گردید، ولی در آن جا گروهی از معاندان و فتنه جویان صفحاتی از نوشته های وی را که حاوی ذم خلفا بود به پاشای سنی مذهب نشان دادند و عواطف و احساسات او را در مخالفت با شیعیان تحریک نمودند. بدین ترتیب کربلا از ۱۳ شوال ۱۲۴۱ ق/ ۱۸۲۵ م یازده ماه مورد حمله سنیان قرار گرفت و افراد فراوانی به قتل رسیدند. شیخ احمد احساسی در این زمان فرار را برقرار ترجیح داد و به سوی مکه حرکت کرد و در سه منزلی مدینه در روز یکشنبه ۲۱ ذی‌عده سال ۱۲۴۱ ق/ ۱۸۲۵ م از دنیا رفت و در قبرستان بقیع مدفون گردید. پیروان و مقلدین او در سراسر ایران، یمن، قطیف و عراق کتب و رساله های وی را سرمشق خود قرار دادند. شیخ در طول مدت هفتاد و پنج سال

۲- این املاک عبارت بودند از: «از تمامی شش دانگ مزرعهٔ بیاز واقع در بین کُشکویه و آنار، که ملک شخصی او بود. سه دانگ از مزرعهٔ کلنا آباد... واقعه در جلگه ی کُشکویه و شش دانگ از باغ زیریسف واقع در شرق کرمان موسوم به اراضی شاه مراد خانی با تمامی عمارات سر در باغ مزبور با شش دانگ خانه جنب باغ مزبور با نارنجستان و طولیها و خلوت و حمام و انبار مع موازی دوازده ساعت از کل دویست و چهل ساعت مجری المیاه مزرعه زیریسف واقعه در حومه شرقیه کرمان با جمیع ملحقات و کافه منضّمات و عامه مضافات هریک از مزارعات و رقبات مزبوره و اعیان مرقومه از ممر و مدخل و حیز و حریم و اراضی و صحاری و کشتخوانات و مراتع و قنوات و عیون و ابار و انهار و رشتهای متعدده... استجار و اغراس و عمارات فوقانیه و تحتانیه و آلات مجاریه و سنگ و اخشاب... جدران و حیطان و غیر ذالک از هریک آنچه متعلق با وسعت شرعا و عرفا در اعیان شش دانگی با اتمام بدون استثناء و در غیر شش دانگی از هریک بقدر الحصه الشرعیه و العرفیه» را بر عزاداران و سوگواران و مرثیه خوانان، بیماران و مجروحان وقف کرد (وزیری، همان: ۲۸۰، ۲۸۱؛ وقف نامه نورالله خان، (=ظهیر الممالک)، بن خسروخان: ۲۳۸ق).